



اثر تعدیل‌کننده کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت

اعظم ولی‌زاده لاریجانی^۱ ✉
مونا خدایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

چکیده

حسابرسی داخلی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مکانیزم‌ها، در جهت اجرای مؤثرتر، کاراتر و با کیفیت‌تر حاکمیت شرکتی در راستای تحقق اهداف سازمانی و بهبود عملکرد شرکت می‌باشد. از این‌رو، هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی رابطه کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی و کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت و نیز بررسی تأثیر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت می‌باشد. در راستای دستیابی به این هدف، سه فرضیه طراحی شد. جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی از شاخص‌های درصد مالکیت سهامداران نهادی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره و استفاده از متخصصان مالی و حسابداری در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره و همچنین برای اندازه‌گیری کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی از شاخص‌های تخصص مدیر واحد حسابرسی داخلی، قدمت واحد حسابرسی داخلی و وضعیت برون‌سپاری واحد حسابرسی داخلی استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که بین کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی و کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ اما کیفیت واحد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت اثر تعدیل‌کنندگی ندارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی، عملکرد شرکت.

۱- گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. نویسنده مسئول.

a.valizadeh@alzahra.ac.ir

۲- گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. Monakhodaei13988@gmail.com

۱- مقدمه

حاکمیت شرکتی پیش از هر چیز، حیات سازمان در بلندمدت را هدف قرار داده است و درصدد است تا از منافع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان‌ها حفاظت کند. دو هدف حاکمیت شرکتی عبارتند از کاهش ریسک بنگاه اقتصادی از طریق بهبود و ارتقای شفافیت و پاسخگویی و بهبود کارآیی بلندمدت سازمان از طریق جلوگیری از خودکامگی و عدم مسئولیت‌پذیری مدیریت اجرایی (کیسی و همکاران، ۲۰۰۵). شیوه‌های حاکمیت شرکتی سالم به اعتماد سرمایه‌گذاران به شرکت‌ها برای جذب سرمایه بلندمدت کمک می‌کند، موجب اتصال مدیریت شرکت با سیستم گزارشگری مالی می‌شود، و مدیریت را قادر می‌سازد که در جهت بهبود عملکرد سازمان، تصمیمات ابتکاری در چارچوب قانونی اتخاذ کنند. اثربخشی چارچوب قانونی و نظارتی برای ارزیابی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد اقتصادی ضروری است. حاکمیت شرکتی خوب ساختارهایی را تعیین می‌کند که اهداف شرکت‌ها از طریق آن‌ها تعریف و ابزار دستیابی به این اهداف تعیین و بر عملکرد شرکت نظارت می‌شود. همچنین به شفاف‌سازی روش‌های حسابداری کمک می‌کند که این عمل خود موجب پشتیبانی از سرمایه‌گذاران می‌شود. علاوه بر این، موجب افشای به موقع اطلاعات شده و اینکه سازمان اطلاعات محرمانه را که بر قیمت سهام شرکت تأثیر می‌گذارد را محفوظ نگه می‌دارد تا افراد داخل سازمان بر اساس این اطلاعات به معامله اوراق بهادار نپردازند؛ بنابراین از افزایش منفعت یک گروه خاص جلوگیری می‌کند که این امر موجب افزایش کارآیی و اثربخشی سازمان شده و به ثروت اقتصادی می‌افزاید (کوماری، ۲۰۲۰).

طبق تحقیقات انجام شده اگر بنگاه‌های اقتصادی در راستای گسترش و قوی‌تر شدن حاکمیت شرکتی گام بردارند این امر تأثیر به‌سزایی بر عملکرد و حتی ارزش شرکت خواهد گذاشت. یک حاکمیت شرکتی بهینه سبب به وجود آمدن توسعه پایدار اقتصادی می‌شود زیرا همان‌طور که انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی می‌تواند عملکرد سازمان‌ها را ارتقا بخشد و تأمین مالی شرکت‌ها از منابع خارج از سازمان را بهبود بخشد. پیاده‌سازی یک حاکمیت شرکتی بهینه موجب افزایش اعتماد و جلب توجه به عملکرد مالی شرکت‌ها و در نتیجه موجب رشد و توسعه سرمایه‌گذاری خواهد شد و این امر به نوبه خود موجب افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. می‌توان انتظار داشت که شرکت‌هایی که فرصت‌های رشد بهتری در آینده را دارا می‌باشند، اگر اصول و مبانی حاکمیت شرکتی را به طور کارا تر و اثربخش‌تری مورد استفاده قرار دهند، عملکرد بهتری را تجربه خواهند کرد. در بازار پویای فعلی، حاکمیت شرکتی مؤثر، از منظر عمومی و نظارتی مورد توجه روز افزون قرار گرفته

است. عملکرد حسابرسی داخلی بخش وسیعی از حاکمیت شرکتی را تشکیل می‌دهد. حسابرسی داخلی می‌تواند به عنوان مشاور داخلی و عاملی در جهت بهینه‌سازی فرآیندهای داخلی شرکت محسوب شود و در تهیه و طراحی پیش‌نویس دستورالعمل‌ها، خدمات مشاوره‌ای ارائه دهد و همچنین به ارزیابی ریسک در شرکت نیز بپردازد؛ بنابراین، عملکرد حسابرسی داخلی یکی از اساسی‌ترین ابزارها برای غربالگری و بهبود عملکرد سازمان می‌باشد (دسی، ۲۰۱۹). بحث نظارت بر عملکرد سازمان یکی از وظایف مهم و اصلی مدیریت سازمان محسوب می‌شود جهت تحقق این وظیفه مهم و کلیدی سازمان‌ها واحدی را (حسابرسی داخلی) زیر نظر مستقیم مدیرعامل سازماندهی می‌کنند که با نظارت کامل بر عملکرد سازمان در واحدهای اجرایی و عملیاتی تصویری شفاف از سازمان را منعکس خواهد کرد (تیمورزاده، ۱۳۹۵). زمانی که حسابرسی داخلی وظایف خود را در حوزه‌های ذکر شده با دقت هرچه تمام‌تر و با تخصص کافی انجام دهد بدون شک باعث رشد و ارتقای حاکمیت شرکتی و به تبع عملکرد و ارزش شرکت خواهد شد. تاکنون مطالعات زیادی در خصوص اثربخشی حسابرسی داخلی و تأثیر آن بر کارایی و اثربخشی شرکت انجام شده و نشان داده است که بهبود کیفیت حسابرسی داخلی موجب ارتقای عملیات و رویه‌های شرکت می‌گردد (دیتنهوفر، ۲۰۰۱). حسابرسان داخلی از این جهت که نسبت به حسابرسان مستقل دسترسی به موقع تری به اطلاعات شرکت دارند و می‌توانند موضوعات شرکت و ریسک‌های مترتب بر آن را از همان ابتدا رصد کنند، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در عملکرد و ارزش‌افزایی شرکت دارند. (زیانگدانگ، ۱۹۹۷). یافته‌ها و توصیه‌های حسابرسان داخلی و ارتباط و همکاری ایشان با حسابرسان مستقل علاوه بر این که موجب انجام حسابرسی بهینه شرکت می‌شود، هسته اصلی اثربخشی عملکرد کمیته‌های شرکت به خصوص کمیته حسابرسی است و می‌تواند از طریق بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی و سیستم کنترل‌های داخلی و ارائه توصیه‌هایی در خصوص استفاده کارا و اثربخش از منابع شرکت، نقش مهمی در ایجاد ارزش در شرکت ایفا می‌کند (المطاری و مگامال، ۲۰۲۰).

در ایران، منشور فعالیت حسابرسی داخلی در سال ۱۳۹۱ به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از آن پس کلیه شرکت‌های بورسی و فرابورسی ملزم به تشکیل واحد حسابرسی داخلی شدند. در این خصوص تاکنون تحقیقی در خصوص رابطه غیرمستقیم کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی (از طریق اثر بر دیگر سازوکارها و شاخص‌های حاکمیت شرکتی) با عملکرد شرکت انجام نشده است و لذا این مسئله مطرح است که آیا واحد حسابرسی داخلی توانسته است با ارائه عملکردی مطلوب موجب ارتقای عملکرد شرکت گردد و این که آیا واحد حسابرسی داخلی توانسته

است با بهبود دیگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در شرکت ایجاد ارزش افزوده نموده و عملکرد آن را بهبود بخشد. از این رو، هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی و کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت و نیز بررسی اثر تعدیل‌کننده کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت می‌باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت

استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقای پاسخگویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذینفعان شرکت است. فرض اولیه حاکمیت شرکتی این است که واحد تجاری به دنبال حفظ منافع سهامداران خود و افزایش ارزش سهام آن‌ها است (حساس یگانه و داداشی، ۱۳۸۹). حاکمیت شرکتی خوب به درک سرمایه‌گذاران کمک می‌کند زیرا به عنوان سیستمی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بر مدیریت شرکت نظارت کرده و تعارض منافع بین مدیران و ذینفعان را به حداقل می‌رساند. حاکمیت شرکتی خوب قدرت پاسخگویی سازمان را افزایش می‌دهد. هدف اصلی حاکمیت شرکتی مطلوب، حفظ و ارتقای ارزش شرکت در حین مراقبت از منافع ذینفعان می‌باشد. حاکمیت شرکتی خوب به دلیل نظارت مستمری که بر مدیریت دارد سبب می‌شود که هر گام برداشته شده توسط سازمان با اهداف سازمان مطابقت داشته باشند. زمانی که در سازمان بتواند تمام وظایف نظارتی خود را کامل و بدون نقص انجام دهد پس می‌توان گفت برای شرکت ارزش ایجاد شده و عملکرد آن ارتقا یافته است. علاوه بر این، برای سرمایه‌گذاران هوشمند مهم است که سازمانی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند حاکمیت شرکتی را به نحو احسن اجرا می‌کند (وروکیناسیه، ۲۰۲۰). عملکرد شرکت با کمک بهترین شیوه‌های حاکمیت شرکتی بهبود یافته و سودآوری سازمان را نیز افزایش می‌یابد. حاکمیت شرکتی مناسب به مدیریت بهتر شرکت‌ها کمک کرده و تداوم فعالیت را برای شرکت به ارمغان می‌آورد. شرکت‌ها از طریق اقدامات حاکمیت شرکتی از موارد قضایی و حقوقی که به دلایل عملکرد ضعیف برای شرکت اتفاق می‌افتد، می‌توانند در امان بمانند. بهترین شیوه‌های حاکمیت شرکتی شامل ایجاد یک هیئت‌مدیره ذیصلاح، پاسخگویی مناسب، همسویی تاکتیک‌ها با اهداف و سطح بالایی از صداقت و اخلاق در شرکت‌ها است (کرادو، ۲۰۱۹). در سال ۲۰۰۴، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ (OECD) اصول ۶ گانه حاکمیت شرکتی را معرفی کردند که این اصول در سال ۲۰۱۵ توسط این نهاد بدین شرح بازنگری شد: ۱- اطمینان

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳/ پیاپی ۵۲/ زمستان ۱۴۰۰

از وجود ساختار قانونی و مقررات کارآمد در رابطه با اثربخشی حاکمیت شرکتی، ۲- حقوق برابر و رفتار عادلانه با کلیه سهامداران، ۳- سرمایه‌گذاران نهادی، بازار سهام و سایر واسطه‌ها (فراهم کردن انگیزه مناسب برای زنجیره سرمایه‌گذاری)، ۴- نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی، ۵- افشا و شفافیت و ۶- مسئولیت‌های هیئت‌مدیره (آدباجو و همکاران، ۲۰۲۰). تاکنون تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی این اطمینان را در سهامداران به وجود می‌آورد که منافع ایشان با منافع مدیران شرکت همراستا و همسو است. حاکمیت شرکتی مؤثر موجب ارتقای وظایف نظارتی هیئت‌مدیره بر شرکت شده و در نتیجه عملکرد آن را ارتقا می‌بخشد (المطاری و مگمال، ۲۰۲۰).

۲-۲- حسابرسی داخلی و عملکرد شرکت

یکی از بازوان قوی حاکمیت شرکتی وجود واحد حسابرسی داخلی قوی، متخصص و کارآمد است. در تعریفی که انجمن حسابرسان داخلی از حسابرسی داخلی ارائه نموده، از عبارت عینی و مستقل برای توصیف آن استفاده نموده است. استقلال و عینی بودن بر خودکفایی حسابرسی داخلی تأکید دارد به این معنا که حسابرسی داخلی فارغ از هر گونه کنترل از نظر عملیاتی و فکری تابع فردی در سازمان نباشد و در پی دستیابی به اهداف تعریف و تعیین شده خود گام بردارد. با این احتساب بدون تأیید، پشتیبانی و تشویق مدیریت سازمان، فرآیندهای حسابرسی داخلی با مشکل مواجه خواهند شد. قبل از اینکه بتوان عملکرد حسابرسی داخلی را قابل اتکا و اعتماد ارزیابی کرد، باید اطمینان حاصل کرد که مدیریت به پشتیبانی از حسابرسی داخلی می‌پردازد (اکودو، ۲۰۱۹). بهبود فرآیند مدیریتی در کلیه خطوط سازمان‌ها ملزم به استفاده از به‌روزترین دانش و اصول است که هدف آن‌ها اطمینان از عملکرد مناسب مدیریت خطوط واحد تجاری برای دستیابی به عملکرد بهینه و مطلوب و رقابت قوی است. کمیته حسابرسی یک رکن اساسی در ساختار حاکمیت شرکتی است که رابطه بین هیئت‌مدیره و مدیران و پاسخگوی اجرای کلی حسابرسی داخلی در سازمان می‌باشد. از این رو، حسابرسی داخلی به عنوان مکانیزمی مفهوم می‌یابد که نه تنها با شناسایی ریسک و ارزیابی عملکرد، گزارش دهی و انطباق، بلکه از طریق مشاوره و ارائه توصیه‌های مربوط به اقدامات مناسب در جهت مدیریت ریسک و توسعه شرکت به منظور دستیابی به اهداف سازمانی به مدیریت و هیئت‌مدیره کمک می‌کند (گاندا ساپوترا، ۲۰۱۹). بر اساس تئوری نمایندگی، حسابرسی داخلی همانند دیگر سازوکارهای مداخله‌گر مانند گزارشگری مالی و حسابرسی مستقل موجب بهینه شدن قرارداد بین مدیران و سهامداران می‌شود و سهامداران هزینه حسابرسی داخلی را به عنوان یک هزینه نظارتی که

می‌تواند از منافع اقتصادی آن‌ها محافظت کند، می‌پذیرند. همچنین بر اساس تئوری هزینه معاملات رفتار همه افراد از جمله مدیران منطقی است و مدیران در پی افزایش منافع خود می‌باشند که این امر ممکن است زیان‌هایی را متوجه سهامداران نماید و لذا نیاز به کنترل دارد. از این حیث نیز حسابرسان داخلی با شناسایی و مدیریت به موقع ریسک‌ها و انجام برنامه‌هایی جهت حصول اهداف شرکت، موجبات رعایت منافع سهامداران را فراهم می‌آورند (المطاری و مگامال، ۲۰۲۰). مطابق با منشور حسابرسی داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار، مأموریت واحد حسابرسی داخلی، ارائه خدمات اطمینان‌دهی و مشاوره‌ای مستقل و بی‌طرفانه، به منظور ارزش‌افزوده و بهبود عملیات شرکت می‌باشد. حسابرسی داخلی با ایجاد رویکردی منظم و روشمند به شرکت کمک می‌کند که برای دستیابی به اهداف خود، اثربخشی فرآیندهای راهبری، مدیریت ریسک و کنترل را ارزیابی نموده و بهبود بخشد (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که حسابرسان داخلی در صورت ارائه عملکرد مناسب می‌توانند در ارتقا و ایجاد ارزش در شرکت مثمرتر باشند.

۲-۳- حسابرسی داخلی و حاکمیت شرکتی

حسابرسی داخلی فعالیت اطمینان‌بخش و مشاوره‌ای مستقل و بی‌طرفانه است که برای ایجاد ارزش‌افزوده و بهبود عملیات سازمان طراحی می‌شود. حسابرسی داخلی به سازمان کمک می‌کند تا اهداف خود را با اتخاذ رویکردی روشمند و منظم برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرایندهای مدیریت ریسک، کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی ایفا کند (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵). ارزشی که توسط حسابرسی داخلی برای سازمان ایجاد می‌شود باید در چارچوب موقعیت و وضعیتی (از جمله؛ آزادی که در دسترسی به منابع برای حسابرسان داخلی ایجاد شده است، حمایت از حسابرسان داخلی، اهداف و استراتژی‌های سازمان که به‌گونه‌ای قابل توجه محیط حسابرسی داخلی را تعریف می‌کند و عملکرد حسابرسی داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد) که حسابرسان داخلی در سازمان دارند ارزیابی شود. ارزش‌افزوده‌ای که حسابرسی داخلی ایجاد می‌کند عبارتند از؛ ۱- پیشگیری و یا شناسایی ریسک‌های محتمل در سازمان که زنجیره ارزش را تهدید می‌کنند، ۲- صرفه‌جویی در هزینه‌ها با اجرای پتانسیل بهینه‌سازی و ۳- تقویت سازی حاکمیت شرکتی. حسابرسی داخلی از اهمیت به‌سزایی در روند استقرار یک حاکمیت شرکتی مطلوب برخوردار است. (اولریچ، ۲۰۲۰). اهداف سازمانی و پیاده‌سازی استراتژی‌ها جهت تحقق اهداف، نیاز به نقش حسابرسی داخلی دارد. به علاوه آنکه عملکرد حسابرسی داخلی از مسئولیت‌های مدیریت و کمیته حسابرسی حمایت می‌کند. به همین

ترتیب حسابرسی داخلی، قابلیت اطمینان و یکپارچگی اطلاعات مالی و عملیاتی جمع‌آوری شده از واحدهای مختلف سازمانی را تعیین می‌کند، پس از آن می‌توان از آن‌ها برای دستیابی به تصمیمات آگاهانه توسط مدیریت استفاده کرد. همچنین عملکرد حسابرسی داخلی به اداره کمیته حسابرسی کمک می‌کند؛ زیرا اطلاعات و گزارش‌های تهیه شده توسط حسابرسان داخلی در خصوص عملکرد نواحی مختلف سازمان و مدیران آن به کمیته حسابرسی اطلاعات و نکات خوبی را در جهت یافتن راه‌حل‌های سازنده در جهت افزایش ارزش و عملکرد مفید شرکت ارائه می‌کند و کمیته حسابرسی را در نظارت هرچه بهینه‌تر یاری خواهد کرد. حسابرسی داخلی به عنوان یک ابزار قوی برای تقویت فرآیندهای داخلی شرکت استفاده می‌شود. حسابرسان داخلی جهت دستیابی به اهداف خود باید آموزش‌های لازم و کافی دیده باشند و به صورت مستمر آموزش‌ها را دنبال کنند تا بتوانند شرایط لازم در خصوص مانور در سازمان و یا شرایط خاص آن را داشته باشند و همچنین تخصص لازم در زمینه کسب‌وکار، توسعه سیستم‌ها و سایر موضوعات مرتبط را داشته باشند. حسابرسان داخلی باید بررسی کنند که در هر شرایطی کدام روش در جهت بهبود و ارتقای عملکرد آن جوابگو بوده و نقاط ضعف سازمان را پوشش خواهد داد. یک نکته مهم در کیفیت حسابرسی داخلی، مدیریت ارشد حسابرسی داخلی می‌باشد؛ زیرا وجود یک رهبر در یک تیم که صلاحیت‌ها، تخصص و تجربه کافی را داشته باشد می‌تواند تیم را در مسیر صحیح و پر بازدهی قرار دهد. یک تیم حسابرسی داخلی قوی باید توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، به موقع و مستقل را داشته باشد؛ بنابراین، صلاحیت و تخصص هر یک از اعضای مشغول در سازمان به خصوص حسابرسی داخلی موجب انجام وظایف بالاترین کیفیت خواهد شد. در نهایت می‌توان ادعا کرد که یک حسابرسی داخلی مطلوب از سازوکارهای مناسب و مطلوب حاکمیت شرکتی نشأت می‌گیرد؛ بنابراین، عملکرد حسابرسی داخلی، حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت مانند یک زنجیر به هم مرتبط و متصل می‌باشند. به این صورت که کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی به عنوان یکی از مهم‌ترین زیربناهای حاکمیت شرکتی موجب می‌شود تا حاکمیت شرکتی با یک سطح کاراً در سازمان اجرا شود و همین امر باعث شده تا افراد دارای صلاحیت و متخصص و با تجربه در سازمان دست به دست هم دهند تا ارزش و عملکرد شرکت بهبود و ارتقا پیدا کند. به عبارت دقیق‌تر، حسابرسی داخلی با ارتقای کیفیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی از جمله بهبود عملکرد کمیته حسابرسی، می‌تواند به صورت غیرمستقیم نیز موجب بهبود عملکرد شرکت گردد (المطاری و مگامال، ۲۰۲۰).

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پژوهش‌های خارجی

ویجیا و همکاران (۲۰۲۰)، پژوهشی در خصوص ارتباط بین حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار اندونزی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ انجام دادند؛ متغیرهای تحقیق مورد استفاده برای اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی شامل مالکیت مستقل، مالکیت نهادی، مالکیت دولت، اندازه هیئت‌مدیره و اندازه شرکت بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که مالکیت مستقل، مالکیت دولت و اندازه هیئت‌مدیره رابطه مثبتی با عملکرد شرکت دارند. درحالی‌که مالکیت نهادی و اندازه شرکت دارای رابطه منفی با عملکرد شرکت می‌باشند.

المطاری و مگامال (۲۰۲۰)، رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی را با عملکرد شرکت مورد بررسی قرار دادند. همچنین به صورت ویژه، نقش تعدیل‌کنندگی حسابرسی داخلی را بر رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت را آزمون نمودند. جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های بورس عربستان طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی و تخصص حسابرسی داخلی با عملکرد شرکت رابطه مثبت بااهمیتی وجود دارد. همچنین بین اندازه هیئت‌مدیره، اندازه واحد حسابرسی داخلی و تحصیلات کارکنان حسابرسی داخلی با عملکرد شرکت رابطه منفی بااهمیتی مشاهده گردید. علاوه بر این، نتایج نشان داده است که اندازه واحد حسابرسی داخلی بر رابطه بین اندازه هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت اثرگذار است.

عبداله (۲۰۲۰)، در تحقیق خود به بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عمان طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ پرداخت. نتایج نشان داد که تعداد جلسات اثربخش هیئت‌مدیره موجب افزایش کیفیت تصمیم‌گیری و در نتیجه بهبود عملکرد شرکت می‌شود. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که استقلال هیئت‌مدیره تأثیر منفی بر عملکرد شرکت دارد زیرا اعضای مستقل هیئت‌مدیره هیچ‌گونه تضمینی در خصوص بهبود عملکرد یک شرکت ندارند.

دسی (۲۰۱۹)، پژوهشی در خصوص تأثیر عملکرد حسابرسی داخلی بر عملکرد شرکت در صنعت حمل‌ونقل کشور اتیوپی طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ انجام داد. جامعه آماری این تحقیق حسابرسان داخلی شرکت‌ها بوده و از ابزار پرسشنامه جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که شیوه‌های حسابرسی داخلی بر عملکرد شرکت به طور معنادار و مثبت

تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل محقق توصیه می‌کند که مدیریت شرکت و هیئت‌مدیره باید همکاری مطلوبی با بخش حسابرسی داخلی داشته باشند، اطلاعات مناسب را به آن‌ها ارائه داده و کلیه آموزش‌های مورد نیاز آن‌ها در رشته‌های مختلف را فراهم کنند تا کارکنان حسابرسی داخلی فرصت ایجاد ارزش افزوده برای شرکت را داشته باشند.

۳-۲- پژوهش‌های داخلی

ولی زاده و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی اثر تعاملی کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی بر نوسان پذیری عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد بین کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی با نوسان پذیری عملکرد واحد تجاری رابطه معنادار منفی وجود دارد. از طرفی کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه منفی بین کیفیت اقلام تعهدی با نوسان پذیری عملکرد واحد تجاری را تشدید می‌کند. نقندری و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی تحت عنوان تأثیر تعدیل گر اندازه شرکت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی شرکت‌ها را انجام دادند. جامعه آماری آن‌ها شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شامل ۱۱۸ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی با عملکرد اقتصادی رابطه مثبت بااهمیتی دارند و این رابطه توسط اندازه شرکت به عنوان متغیر تعدیل گر، تقویت می‌شود.

حاجیه‌ها و شاکری (۱۳۹۸)، به بررسی روابط بین حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داده است که بین معیار تمرکز مالکیت با مسئولیت اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد؛ اما بین معیار درصد سهام در دست سهامداران عمده با مسئولیت اجتماعی رابطه معنی داری مشاهده نمی‌شود. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت نیز رابطه معنی داری وجود ندارد.

پژوهش‌های داخلی متعددی همچون تقی نتاج و همکاران (۱۳۹۷)، اسعدی (۱۳۹۵)، حسن زاده و عظیمی (۱۳۹۲) انجام شد که نتایج آن‌ها دال بر این است که بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی هم چون درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، درصد مالکیت سهامداران عمده، تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره و... با عملکرد و ارزش شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

- به منظور دستیابی به اهداف تحقیق فرضیه‌ها به شرح زیر تدوین شده‌اند:
- (۱) بین کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد.
 - (۲) بین کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی با عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد.
 - (۳) کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت تأثیر معناداری دارد.

۵- روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی است. هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص می‌باشد. همچنین از منظر طرح تحقیق توصیفی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از طریق گزارش‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی گردآوری شده و سپس فرضیه‌های طرح شده بر اساس مدل‌های همبستگی تحلیل رگرسیون از طریق نرم‌افزار آماری views آزمون شدند. انتخاب نمونه از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ با استفاده از معیارهای زیر انجام شد:

- (۱) نام شرکت از ابتدای سال ۹۱ در فهرست شرکت‌های بورس و اوراق بهادار تهران درج شده باشد و تا پایان سال ۹۸ از فهرست مذکور حذف نشده باشد.
- (۲) با توجه به اینکه به منظور دستیابی به هدف پژوهش، از متغیرهایی استفاده شد که عمدتاً برای سال‌های شمسی محاسبه شده است و در اختیار عموم قرار گرفته است و از آنجا که انجام محاسبات با استفاده از گزارشات حسابرسی شده شرکت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و استفاده از شرکت‌هایی با سال مالی متفاوت ممکن است منجر به آن شود که اطلاعات جمع‌آوری شده یکنواخت نباشند، در انتخاب نمونه از شرکت‌هایی استفاده شد که پایان سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- (۳) همانگونه که در بند ۲ بیان شد، در این تحقیق از شرکت‌هایی به عنوان نمونه تحقیق استفاده شده است که پایان سال مالی آن‌ها، پایان اسفندماه باشد از این رو شرکت‌هایی که در دوره مورد مطالعه، سال مالی خود را تغییر داده باشند، از نمونه انتخابی حذف گردید.

۴) با توجه به اینکه شرکت‌های فعال در بخش واسطه‌گری‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها از قبیل بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و لیزینگ‌ها)، دارای ماهیت متفاوت عملکرد می‌باشند که ممکن است عوامل مهم و خاص دیگری بر عملکرد آن‌ها تأثیر گذارد. به‌گونه‌ای که تعمیم‌پذیری نتایج را تحت تأثیر قرار دهد، در انتخاب نمونه مدنظر قرار نگرفتند.

۵) با توجه به شرایط و الزامات خاص شرکت‌های زیان ده و همچنین مشمولین ماده ۱۴۱ قانون تجارت، یکی دیگر از معیارها برای انتخاب نمونه این است که شرکت طی دوره مورد مطالعه زیان ده نباشد و زیان انباشته نداشته باشد.

۶) فرم مشخصات واحد حسابرسی داخلی شرکت افشا شده باشد.

۷- مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور بررسی فرضیه اول این تحقیق (بررسی رابطه کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت) از مدل ۱ استفاده شده است (المطاری و مگامال، ۲۰۲۰):

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CGQ_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

بازده دارایی‌ها (ROA_{it}) - متغیر وابسته: از نسبت بازده دارایی‌ها برای سنجش عملکرد شرکت استفاده می‌کنیم که این نسبت از طریق اندازه‌گیری سود خالص بر کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. کیفیت حاکمیت شرکتی (CGQ_{it}) - متغیر مستقل: به منظور اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی از میانگین متغیرهای مجازی (صفر و یک) استقلال اعضای هیئت‌مدیره، مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و استفاده از متخصصان مالی در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره به شرح زیر استفاده گردید:

- مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی (INS_{it}): درصد سهامداران نهادی، درصد سهامی از شرکت است که در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های تأمین سرمایه، مؤسسات مالی، بانک‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی دارای مالکیت بیش از ۵ درصد سهام، می‌باشد. چنانچه درصد مالکیت سهامداران نهادی شرکت از میانه این درصد در تمامی شرکت سال‌های نمونه بالاتر باشد، این متغیر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

- استقلال اعضای هیئت‌مدیره (INDit): به منظور اندازه‌گیری استقلال اعضای هیئت‌مدیره از نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره استفاده شد. چنانچه نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره بیش از میانه این نسبت برای کل شرکت-سال‌های نمونه تحقیق باشد، این متغیر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شد.
 - استفاده از متخصصان مالی در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره (Expertit): چنانچه شرکت دارای بیش از یک متخصص مالی در بین اعضای هیئت‌مدیره باشد، این متغیر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.
- اندازه شرکت (SIZE_{it})- متغیر کنترلی: عبارت از لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت است.
- اهرم مالی (LEV_{it})- متغیر کنترلی: از تقسیم ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال مالی حاصل شده است.
- در ادامه به منظور آزمون فرضیه‌های دوم (بررسی رابطه بین کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی با عملکرد شرکت) و سوم (تأثیر کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت) از مدل ۲ استفاده شده است (المطاری و مگامال، ۲۰۲۰):

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CGQ_{it} + \beta_2 IAFQ_{it} + \beta_3 CGQ_{it} * IAFQ_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی (IAFQ_{it}) - متغیر تعدیل‌گر: متغیری است که برای اندازه‌گیری آن از میانگین سه متغیر مجازی (صفر و یک) قدمت واحد حسابرسی داخلی، تخصص مدیر حسابرسی داخلی و وضعیت برون‌سپاری خدمات حسابرسی داخلی به شرح زیر استفاده شده است:

- قدمت واحد حسابرسی داخلی (AGE_{it}): تعداد ماه‌هایی است که واحد حسابرسی داخلی شرکت فعالیت داشته است. برای اندازه‌گیری این متغیر از فرم مشخصات کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی منتشر شده شرکت‌ها در سامانه کدال استفاده شده است. پس از استخراج مقادیر، میانه آن‌ها تعیین شد و چنانچه قدمت واحد حسابرسی داخلی شرکتی بیشتر از مقدار میانه آن برای کلیه مقادیر سال-شرکت‌ها بود برای آن عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

- تخصص مدیر واحد حسابرسی داخلی (EXP_{it}): برای اندازه‌گیری این متغیر از رشته تحصیلی مدیر حسابرسی داخلی شرکت استفاده شد. چنانچه رشته تحصیلی آن‌ها حسابداری یا یکی از گرایش‌های آن بود، برای آن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.
- وضعیت برون‌سپاری حسابرسی داخلی ($IAUOTS_{it}$): متغیر مجازی است که چنانچه شرکتی خدمات حسابرسی داخلی خود را برون‌سپاری کرده باشد، برای آن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است.

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- آمار توصیفی داده‌ها

شاخص‌های آماری توصیفی متغیرهای تحقیق و فراوانی متغیرهای مجازی به ترتیب در جداول (۱) و (۲) ارائه شده است. مطابق با اطلاعات این جداول، متوسط بازده دارایی شرکت‌ها به عنوان معیار سنجش عملکرد آن‌ها برابر با ۰/۱۴۸ بدست آمده است. نسبت مالکیت نهادی در شرکت‌ها به طور میانگین برابر با ۰/۷۵۱ است که بیانگر ساختار نسبتاً متمرکز شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران است. ۸۱/۶ درصد از مشاهدات نیز نشان از وجود بیش از یک متخصص مالی در ساختار هیئت‌مدیره داشته‌اند که این امر بیانگر این است که شرکت‌ها تلاش کرده‌اند تا علاوه بر الزامات مندرج در اساسنامه‌شان (وجود یک عضو غیرموظف مالی در ساختار هیئت‌مدیره) از متخصصین مالی دیگر نیز در ترکیب هیئت‌مدیره خود استفاده کنند. همچنین نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به طور میانگین برابر با ۰/۶۸۲ بدست آمده و در کل، شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی به طور میانگین برای هر شرکت برابر با ۰/۵۹۴ بدست آمده است که نسبتاً مطلوب به نظر نمی‌رسد. قدمت واحد حسابرسی داخلی به طور متوسط برابر با ۰/۴۰ با تجربه بالاتر از ۶ سال (میانگین قدمت واحد حسابرسی داخلی) بوده و ۸۸/۳۲ درصد از مشاهدات نیز نشان از تخصص مالی و حسابداری مدیر واحد حسابرسی داشته‌اند. همچنین ۱۵/۴۴ درصد از مشاهدات نشان از برون‌سپاری حسابرسی داخلی شرکت‌ها داشته‌اند. معیار کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی به طور میانگین دارای امتیاز ۰/۴۹۹ برای هر شرکت بوده است. میانگین اهرم مالی شرکت‌ها برابر با ۰/۵۳۵ و متوسط اندازه شرکت‌ها نیز برابر با ۶/۳۲۰ بدست آمده است.

جدول ۱: شاخص‌های آماری توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
بازده دارایی	ROA _{it}	۱/۲۵۳	۰/۱۴۸	۰/۱۲۱	۰/۹۵۱	۰/۰۰۰	۰/۱۲۷
کیفیت حاکمیت شرکتی	CGO _{it}	۱/۲۵۳	۰/۵۹۴	۰/۶۶۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸
کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی	IAFQ _{it}	۱/۲۵۳	۰/۴۹۹	۰/۶۶۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵
اهرم مالی	LEV _{it}	۱/۲۵۳	۰/۵۳۵	۰/۵۴۸	۰/۹۹۱	۰/۰۱۲	۰/۱۹۷
اندازه شرکت	SIZE _{it}	۱/۲۵۳	۶/۳۲۰	۶/۲۱۸	۹/۶۳۷	۳/۲۳۰	۰/۸۴۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲: فراوانی متغیرهای مجازی

نام متغیر	نماد	تعداد یک	تعداد صفر
مالکیت نهادی	INS _{it}	600	653
متخصص مالی	EXPERT _{it}	1021	232
نسبت اعضای غیرموظف	BOARD _{it}	612	641
قدمت واحد حسابرسی داخلی	AGE _{it}	576	677
تخصص مدیر واحد حسابرسی	EXP _{it}	1104	146
برون‌سپاری حسابرسی داخلی	IAUOTS _{it}	193	1060

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۲- نتایج آزمون مدل‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق به روش اثرات تصادفی به شرح جدول ۳ است. با توجه به سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس مدل که کوچکتر از خطای ۰/۰۵ بدست آمده، معناداری کلی مدل مورد تأیید است و می‌توان ادعا نمود که مجموعه متغیرهای توضیحی مدل به طور معناداری قابلیت تبیین و کنترل تغییرات متغیر وابسته را دارند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که ۴۸/۲۹ درصد از تغییرات موجود در بازده دارایی شرکت‌ها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد. به منظور بررسی تصریح الگوی رگرسیونی از آماره دوربین واتسون استفاده شد. آماره این آزمون که در بازه مقادیر تجربی ۱/۵ تا ۲/۵ بدست آمده (Durbin = ۱/۸۸۱) نشان از تصریح مناسب الگوی رگرسیونی دارد. به منظور آزمون رابطه بین کیفیت حاکمیت

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۳/ پیاپی ۵۲/ زمستان ۱۴۰۰

شرکتی با عملکرد شرکت، معناداری ضریب تأثیر رگرسیونی حاکمیت شرکتی بر روی بازده دارایی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که سطح معناداری اثر کیفیت حاکمیت شرکتی در مدل تحقیق کوچکتر از خطای ۰/۰۵ بدست آمده ($p\text{-value} = ۰/۰۰۰$) و نشان‌دهنده معناداری اثر کیفیت حاکمیت شرکتی بر روی عملکرد مالی شرکت‌ها بوده است. همچنین ضریب مثبت (۰/۱۰۵) $\beta =$ رگرسیونی این متغیر در مدل تحقیق نشان‌دهنده تأثیرگذاری مستقیم کیفیت حاکمیت شرکتی بر روی بازده دارایی شرکت‌ها بوده و انتظار می‌رود که با افزایش سطح کیفیت حاکمیت شرکتی، بر میزان عملکرد مالی شرکت‌ها افزوده شود. از این رو فرضیه اول تحقیق در سطح خطای ۰/۰۵ مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین نتایج جدول فوق در خصوص متغیرهای کنترلی بیانگر این است که اهرم مالی و اندازه شرکت به ترتیب رابطه مثبت و منفی معناداری با بازده دارایی شرکت‌ها دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه اول

شرح	متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-	۰/۰۵۴	۰/۰۳۸	۱/۴۰۲	۰/۱۶۱
کیفیت حاکمیت شرکتی	CGQ _{it}	۰/۱۰۵	۰/۰۱۲	۸/۲۹۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV _{it}	-۰/۲۶۷	۰/۰۲۱	۱۲/۳۹۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE _{it}	۰/۰۳۶	۰/۰۰۵	۷/۰۳۶	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۴۸۵	آماره تحلیل واریانس		۱۶۵/۶۸۹	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۸۲	سطح معنی‌داری		۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون		۱/۸۸۱			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه دوم و سوم تحقیق به روش اثرات ثابت به شرح جدول ۴ است. با توجه به سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس مدل که کوچکتر از خطای ۰/۰۵ بدست آمده، معناداری کلی مدل مورد تأیید است و می‌توان ادعا نمود که مجموعه متغیرهای توضیحی مدل به طور معناداری قابلیت تبیین و کنترل تغییرات متغیر وابسته را دارند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که ۵۴/۵۸ درصد از تغییرات موجود در بازده دارایی شرکت‌ها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد. به منظور بررسی تصریح الگوی رگرسیونی از آماره دوربین واتسون

استفاده شد. آماره این آزمون که در بازه مقادیر تجربی $1/5$ تا $2/5$ بدست آمده ($Durbin = 1/681$) Watson)، نشان از تصریح مناسب الگوی رگرسیونی دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه‌های دوم و سوم

شرح	متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-	۰/۰۵۱	۰/۰۳۶	۱/۳۹۱	۰/۱۶۴
کیفیت حاکمیت شرکتی	CGQ _{it}	۰/۰۹۹	۰/۰۲۴	۴/۰۹۵	۰/۰۰۰
کیفیت حسابرسی داخلی	IAFQ _{it}	۰/۱۱۵	۰/۰۲۶	۴/۳۲۵	۰/۰۰۰
کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی	CGQ _{it} *IAFQ _{it}	۰/۰۳۱	۰/۰۴۱	۰/۷۴۹	۰/۴۵۳
اهرم مالی	LEV _{it}	۰/۲۵۷-	۰/۰۱۹	۱۲/۹۹۵-	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE _{it}	۰/۰۳۵	۰/۰۰۴	۷/۱۲۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۵۵۲		آماره تحلیل واریانس		۵۶/۱۵۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۵		سطح معنی‌داری		۰/۰۰۰
آماره دوربین واتسون		۱/۶۸۱			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

به منظور آزمون رابطه بین کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی با عملکرد شرکت، معناداری ضریب تأثیر رگرسیونی عملکرد حسابرسی داخلی بر روی بازده دارایی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که سطح معناداری اثر عملکرد حسابرسی داخلی در مدل تحقیق کوچکتر از خطای $0/05$ بدست آمده ($p\text{-value} = 0/0$) و نشان‌دهنده معناداری اثر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر روی عملکرد مالی شرکت‌ها بوده است. همچنین ضریب مثبت ($\beta = 0/115$) رگرسیونی این متغیر در مدل تحقیق نشان‌دهنده تأثیرگذاری مستقیم کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر روی بازده دارایی شرکت‌ها بوده و انتظار می‌رود که با افزایش سطح کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی، بر میزان عملکرد مالی شرکت‌ها افزوده شود. از این رو فرضیه دوم تحقیق در سطح خطای $0/05$ مورد تأیید قرار گرفته است.

به منظور آزمون تأثیر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت، اثر متقابل دو متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی در قالب جمله حاصل‌ضربی این دو متغیر در مدل مورد آزمون قرار گرفت. سطح معناداری این ضریب در مدل تحقیق بزرگتر از خطای ۰/۰۵ بدست آمده ($p\text{-value} = ۰/۴۵۳$) و نشان‌دهنده عدم معناداری اثر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها بوده است. از این رو فرضیه سوم تحقیق در سطح خطای ۰/۰۵ مورد تأیید قرار نگرفته است. همچنین نتایج جدول فوق در خصوص متغیرهای کنترلی بیانگر این است که اهرم مالی و اندازه شرکت بهتر تیب رابطه مثبت و منفی معناداری با بازده دارایی شرکت‌ها دارد.

۹- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال یافتن تأثیرات کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها و همچنین بررسی اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بوده است. با توجه به نتایج رگرسیون، نتایج زیر حاصل شده است.

- ۱) بین کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد.
- ۲) بین کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی با عملکرد شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد.
- ۳) کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت تأثیر معناداری ندارد.

تفسیر نتیجه فرضیه اول: بر اساس نتیجه فرضیه اول این تحقیق می‌توان گفت که سازوکارهای مطلوب حاکمیت شرکتی می‌تواند موجب بهبود عملکرد شرکت گردد و از این طریق راهی روشن برای دستیابی به تعالی تجاری را پیش ببرد. تنظیم یک سیاست حاکمیت شرکتی مناسب از طریق کاهش تضاد منافع بین سهامداران و نمایندگان ایشان در شرکت، منافع زیادی را برای سهامداران و سطوح مختلف مدیریت به همراه خواهد داشت و به بهبود عملکرد و افزایش ارزش شرکت کمک می‌کند. برعکس، پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی فاقد کیفیت و کارآیی موجب می‌شود که شرکت‌ها متضرر شوند. این نتیجه مطابق با یافته‌های پژوهش‌های عبدالله (۲۰۲۰)، مالیک و همکاران (۲۰۱۹)، المطاری و مگامال (۲۰۲۰)، سمیع و همکاران (۲۰۱۱)، کلز و همکاران (۲۰۰۵) و تقی نتاج و

همکاران (۱۳۹۷) بوده که به نتایج مشابهی مبنی بر ارتباط کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها دست‌یافته‌اند.

تفسیر نتیجه فرضیه دوم: بر اساس نتیجه فرضیه دوم این تحقیق می‌توان گفت حفظ کیفیت حسابرسی داخلی منجر به بهبود عملکرد شرکت می‌گردد. همانگونه که پیشتر بیان شد حسابرسان داخلی به دلیل حضور دائمی و مستمر در شرکت، به اطلاعات و رخدادهای درون شرکت دسترسی سریع‌تر و دقیق‌تری دارند و با توصیه‌ها و راهکارهای ارزنده خود می‌توانند موجبات شناسایی به موقع ریسک‌های شرکت را فراهم آورده و از این طریق مدیران شرکت را در پیشبرد اهداف شرکت یاری کنند. همچنین می‌توان بیان داشت که حسابرسان داخلی نقش خود را در تأمین ارزش و بهبود و ارتقای عملکرد سازمان، به خوبی ایفا می‌کنند. این نتایج در راستای نتایج پژوهش‌های هریمائو (۲۰۲۰)، دسی (۲۰۱۹)، المطاری و مگامال (۲۰۲۰) و آبی‌دین (۲۰۱۸)، مبنی بر تأثیر مثبت فاکتورهای کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی بر عملکرد شرکت‌ها می‌باشد.

تفسیر نتیجه فرضیه سوم: نتیجه آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی داخلی تأثیری بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت ندارد؛ به عبارت دیگر، انتظار بر این بود که حسابرسان داخلی از طریق ارتباط مؤثر و سازنده‌ای که با ارکان حاکمیت شرکتی به‌ویژه کمیته حسابرسی برقرار می‌کنند، بتوانند بر اثربخشی آن‌ها افزوده و رابطه کیفیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت را تقویت نمایند. لیکن نتایج تحقیق برخلاف انتظار بود و به عبارت دقیق‌تر، اگرچه که سازوکارهای حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی هر یک به تنهایی نقش قابل‌ملاحظه‌ای در بهبود عملکرد شرکت داشته‌اند اما بین آن‌ها هم‌افزایی قابل توجهی جهت پیشبرد اهداف شرکت و دستیابی به عملکرد مطلوب‌تر حاصل نشده است. از این رو به نظر می‌رسد در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هنوز ارتباط مستقیم و مؤثری بین حسابرسان داخلی با ارکان حاکمیت شرکتی همچون اعضای هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی شکل نگرفته است و این دغدغه‌ای است که بارها از سوی حسابرسان داخلی در مجامع حرفه‌ای عنوان شده است؛ به عبارت دیگر به نظر می‌رسد در حال حاضر حسابرسان داخلی بیشتر از این که تحت نظارت کمیته حسابرسی و پاسخگو به کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره باشند در خدمت مدیران ارشد اجرایی شرکت‌ها و پیشبرد اهداف اجرایی آن‌ها هستند. این بخش از نتایج این تحقیق با نتیجه به دست آمده از پژوهش المطاریو مگامال (۲۰۲۰) مغایرت دارد.

محدودیت‌های اثرگذار بر نتایج این تحقیق مربوط به نحوه اندازه‌گیری کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی شرکت‌ها می‌باشد؛ چرا که متأسفانه در بازار سرمایه ایران اطلاعات مربوط به عملکرد و فعالیت حسابرسان داخلی در شرکت‌ها و نحوه گزارش دهی آن‌ها افشا نمی‌شود و از این رو در این تحقیق متغیر مذکور بر اساس معیارهایی که عموماً افشا می‌شود (مانند قدمت، تخصص و وضعیت برون‌سپاری حسابرسی داخلی)، اندازه‌گیری شده است.

بر اساس نتایج فرضیه‌های اول و دوم، به نهادهای نظارتی از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود در استقرار هر چه مؤثرتر و کارآتر مقررات حاکمیت شرکتی و پیاده‌سازی اثربخش واحد حسابرسی داخلی در شرکت‌های تحت نظارت خود اقدام نماید. بر اساس نتایج فرضیه‌های اول و دوم به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان توصیه می‌شود که برای انتخاب گزینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری یا اعتباردهی، پیاده‌سازی اثربخش حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی را در شرکت‌ها مدنظر قرار دهند.

فهرست منابع

- ۱) اسعدی، عبدالرضا، (۱۳۹۵)، "حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های هلدینگ و تابعه در بورس اوراق بهادار تهران"، راهبرد مدیریت مالی، (۱۵)، صص ۱۵۱-۱۲۹.
- ۲) تیمور زاده، مهدی و محمدباقر یزدانی خداهشهری، (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه وجود حسابرسی داخلی با حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت"، مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، (۲)، صص ۳۳-۲۱.
- ۳) تائبی نقندری، امیرحسین، علی تائبی نقندری و مهری عباس زاده، (۱۳۹۸)، "تأثیر تعدیل‌گری اندازه شرکت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی شرکت‌ها"، دانش حسابداری، (۲۸)، صص ۱۵۵-۱۸۲.
- ۴) تقی نتاج، غلامحسین، جمال بحری ثالث و قدرت قادری، (۱۳۹۷)، "تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشاء"، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی (۸)، صص ۱۰۲-۹۲.
- ۵) حاجیه‌ها، زهره و عبدالرضا شاکری، (۱۳۹۸)، "حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (۱۱)، ۴۴، صص ۱۷۵-۱۹۲.
- ۶) حساس یگانه، یحیی و ایمان داداشی، (۱۳۸۹)، "تأثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه‌ریزی"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (۲)، ۵، صص ۶۶-۴۱.
- ۷) سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۹۱)، "منشور فعالیت حسابرسی داخلی"، www.seo.ir.
- ۸) مشایخی، بیتا، شادی حسن زاده، یاسین امینی و وحید منتی، (۱۳۹۵)، "تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر حق‌الزحمه حسابرسی مستقل"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (۸)، ۳۱، صص ۵۶-۴۱.
- ۹) ولی زاده لاریجانی، اعظم، سیدعلی و مهسا طهماسبی آشتیانی، (۱۳۹۹)، "اثر تعاملی کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر نوسان‌پذیری عملکرد شرکت"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۲۷)، ۳، صص ۴۵۴-۴۷۲.
- 10) Al Matari, E. M., & Mgammal, M. H. (۲۰۲۰), "The Moderating Effect of Internal Audit on the Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Corporate Performance among Saudi Arabia Listed Companies", Contaduría y Administración, 64(4), PP. 9.

- 11) AlQadasi, A., & Abidin, S. (2018), "The Effectiveness of Internal Corporate Governance and Audit Quality: the Role of Ownership Concentration–Malaysian Evidence", *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*.
- 12) Adebawojo, O. (2020), "Corporate Governance and Audit Risk", *American International Journal of Accounting Research*, 5(1), PP. 145-158.
- 13) Altawalbeh, M. A. F. (2020), "Corporate Governance Mechanisms and Firm's Performance: Evidence from Jordan", *Accounting and Finance Research*, 9(11), PP. 10-5430.
- 14) Dittenhofer, M. (2001), "Internal Auditing Effectiveness: an Expansion of Present Methods", *Managerial auditing journal*.
- 15) Ebrahim Mohammad, M. (2019), "The Moderating Affect of Internal Audit on the Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Corporate Performance among Saudi Arabia Listed Companies", *Journal of Cantaduria y Administraction*, 65(1), PP. 30-66.
- 16) E Karamoy, H., & Tulung, J. E. (2020), "The Effect of Financial Performance and Corporate Governance to Stock Price in Non-bank Financial Industry", *Corporate Ownership & Control*, 17 (2), PP. 97-103.
- 17) El Diri, M., Lambrinoudakis, C., & Alhadab, M. (2020), "Corporate Governance and Earnings Management in Concentrated Markets", *Journal of Business Research*, 108, PP. 291-306.
- 18) Eulerich, A. K., & Eulerich, M. (2020), "What Is the Value of Internal Auditing?–A Literature Review on Qualitative and Quantitative Perspectives", *A Literature Review on Qualitative and Quantitative Perspectives, Maandblad Voor Accountancy en Bedrijfseconomie*, 94, PP. 83-92.
- 19) Harymawan, I. (2020), "Internal Audit Functions and Audit Autcomes: Evidence from Indonesia", *Journal of Business and Management* 17(7), PP.50-71.
- 20) Kumari, P. (2020), "Corporate Governance in India Impact on Firm Performance. IMPACT: International Journal of Research in Humanities", *Arts and Literature (IMPACT: IJRHAL) ISSN (P)*, PP. 2347-4564.
- 21) Kiradoo, G. (2019), "Impact of Corporate Governance on the Profitability and the Financial Performance of the Organization", *Journal of Management (JOM)*, 6(3), PP. 192-16.
- 22) Keasey, K., Thompson, S., & Wright, M. (Eds.). (2005), "Corporate Governance: Accountability, Enterprise and International Comparisons", John Wiley & Sons.
- 23) Mohan, A., & Chandramohan, S. (2018), "Impact of Corporate Governance on Firm Performance: Empirical Evidence from India", *IMPACT: International Journal of Research in Humanities, Arts and Literature (IMPACT: IJRHAL) ISSN (P)*, PP. 2347-4564.
- 24) Okodo, D., Momoh, M. A., & Yahaya, A. O. (2019), "Assessing the Reliability of Internal Audit Functions: The Issues", *Journal of Contemporary Research in Business, Economics and Finance*, 1(1), PP. 46۵۵-.

- 25) Soh, D. S., & Martinov-Bennie, N. (2011), "The Internal Audit Function: Perceptions of Internal Audit Roles, Effectiveness and Evaluation", *Managerial auditing journal*, 26(7), PP. 605-622.
- 26) Solomon, D. (2019), "Internal Audit Practice and Its Effect on Company Performance: Case Study in Ethioplan Shipping and Lojistics Service Enterprise", *Journal of Business Management and Accounting*, 3(3), PP. 100-207.
- 27) Saputra, I. G., & Yusuf, A. (2019), "The Role of Internal Audit in Corporate Governance and Contribution to Determine Audit Fees for External Audits", *Journal of Finance*, 7(1), PP. 1-5.
- 28) Wijaya, L. I., & Murhadi, W. R. (2020), "Ownership Structure, Good Corporate Governance, and Firm Performance in the Indonesian Capital Market", In 17th International Symposium on Management (INSYMA 2020) (PP. 256-260). Atlantis Press.
- 29) Worokinasih, S., & Zaini, M. L. Z. B. M. (2020), "The Mediating Role of Corporate Social Responsibility (CSR) Disclosure on Good Corporate Governance (GCG) and Firm Value", A Technical Note. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 14(1), PP. 88-96.
- 30) Xiangdong, W. (1997), "Development Trends and Future Prospects of Internal Audit", *Managerial Auditing Journal*.

یادداشت‌ها

¹Organization for Economic Cooperation Development